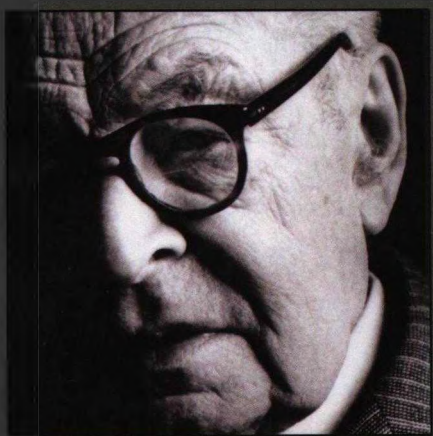




اسطوره واسطوره شناسی
نزد زرژدومزیل

به هم. نامور مطلق
بهروز عوض پور

The Myth & Mythology
to Georges Dumézil
Bahman Namvar Motlagh
Behrooz Avazpour

اسطوره واسطوره شناسی
نزد زررزد و مزیل

.....
بهمن. نامور مطلق
بهروز عوض پور

The Myth & Mythology
to Georges Dumézil
Bahman Namvar Motlagh
Behrooz Avazpour

اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد ژرژ دومزیل/بهمن نامور مطلق/بهر روز عوض پور/

چاپ اول/۱۳۹۵ تیریز/۱۱۰۰ نسخه/چاپ میهن/

مجموعه اسطوره شناسی ها/ کتاب ۳/ ژرژ دومزیل/ زیر نظر بهمین نامور مطلق/

اسطوح ویرایش: ب، ۱/

قطع رقعی، ۲۳۲ صفحه/ب نازنین/۱۲ کاغذ ۷۰ گرمی ملاندران/

شابک: ۴-۲۱-۷۶۹۷-۶۰۰-۹۷۸/

مدیر هنری و طراح گرافیک: ارسلان آقاخانی/

دفتر مرکزی: خیابان چای کنار، به طرف آب‌رسان، نرسیده به پل سنگی، جنب ساختمان کوثر/

پلاک ۲۵۵/طبقه دوم/تلفن: ۳۳۶۴۴۳۸-۳۳۳۶۴۱/

کارگاه نشر: ابتدای جاده ایدم، کوچه‌ی سیلو، پلاک ۳۳۶/تلفن: ۳۴۷۸۱۹۷۰-۰۴۱/

www.mugham-pub.com/

[info@mugham-pub.com/](mailto:info@mugham-pub.com)

حق چاپ برای نشر موغام محفوظ است.



قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

نسخه‌ی الکترونیک این کتاب در fidibo.com در دسترس است.

📌 [telegram.me/mughampub](https://t.me/mughampub) 📷 [mugham.pub](https://www.instagram.com/mugham.pub)



فهرست

پیشگفتار.....	۱
بخش نخست: شخصیت علمی ژرژ دومزیل و شکل گیری آن.....	۵
از ابتدا تا ۱۹۳۰: برهه‌ی پژوهش‌های لغت‌شناسانه.....	۱۲
از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰: برهه‌ی شک و تردید.....	۱۵
از ۱۹۴۰ تا انتها: برهه‌ی پژوهش‌های کنش‌شناسانه.....	۱۷
دومزیل، ساختار و ساختارگرایی.....	۱۹
بخش دوم: اسطوره‌شناسی کنش‌گرای ژرژ دومزیل و شکل گیری آن.....	۲۵
مقدمه.....	۲۶
اسطوره‌شناسی تطبیقی.....	۳۵
شیوه‌ی واژه‌گرا.....	۴۹
شیوه‌ی متن‌گرا.....	۵۲
اسطوره‌شناسی تطبیقی کنش‌گرا.....	۵۴
تکوین اسطوره‌شناسی تطبیقی کنش‌گرا.....	۶۰

۶۴.....	تثبیت خدایان سه گانه در نزد هندیان باستان
۷۰.....	تثبیت خدایان سه گانه در نزد اقوام هندواروپایی
۷۷.....	تثبیت کنش های سه گانه.....
۸۳.....	تثبیت کنش های سه گانه در روایات اسطوره های اقوام هندواروپایی
۱۰۲.....	پس از دومزیل.....
۱۱۰.....	نقد اسطوره شناسی تطبیقی کنش گرا.....
۱۱۴.....	نتیجه.....
۱۲۱.....	بخش سوم: نمونه های کاربردی.....
۱۲۵.....	قسمت نخست: اسطوره های هندی (تری پورا).....
۱۳۶.....	قسمت دوم: اسطوره های ایرانی (خورنه ی جمشید).....
۱۵۰.....	قسمت سوم: اسطوره های یونانی (قضاوت پاریس).....
۱۶۵.....	قسمت چهارم: اسطوره های لاتینی (چرخه های سلتی).....
۱۸۰.....	قسمت پنجم: اسطوره های ژرمنی (پسران مانوس).....
۱۸۷.....	توضیحات تصاویر.....
۲۰۵.....	نمایه.....
۲۲۵.....	کتابنامه.....

پیشگفتار

شاید این پرسش برای هر مخاطب آشنا به اسطوره‌شناسی و یا اساساً روش‌شناسی در مفهوم عام آن مطرح باشد که چرا ما ساکنان قرن بیست و یکم باید به زندگی و نظریه‌ی شخصیتی پپردازیم که به قرن بیستم تعلق دارد؟ چرا با وجود ده‌ها نظریه‌ی گوناگونی که در این فاصله‌ی زمانی شکل گرفته‌اند لازم است به نظریه‌ی شخصیتی مانند دومزیل یا کمبل و یا فرای مشغول شویم؟ آیا به این دلیل که نظریه‌های یاد شده بخشی از تاریخ اسطوره‌شناسی تلقی می‌شوند و هر جامعه‌ای باید آن‌ها را بشناسد تا دچار شکاف و نقصان تاریخی در این حوزه نشود؟ شکافی که می‌تواند همواره پژوهش در این حوزه را دستخوش نارسایی‌های بنیادین کند. یا از این‌که این نظریه‌ها هنوز هم قابل استفاده هستند و می‌توان در برخی از پژوهش‌های اسطوره‌ای روش‌های یاد شده را به کار برد؟ پاسخ کامل این پرسش‌ها دست کم در مورد ژرژ دومزیل مشخص نمی‌شود. آثاری که به این شخصیت و نظرات وی به طور تالیفی، گسترده و عمیق بپردازند. بدیهی است این مهم به خصوص هنگامی بیشتر روشن می‌شود که روش وی بر روی آثار معاصر مورد سنجش قرار گیرد.

گفتنی است که ژرژ دومزیل شخصیتی چند وجهی دارد و از نسل محققان بزرگ به شمار می‌آید. وی زبان‌شناس، اسطوره‌شناس، و محقق ادیان و تمدن‌هاست، به ویژه ادیان و تمدن‌های هندواروپایی. البته مهم‌ترین ویژگی علمی دومزیل اسطوره‌شناسی وی است. او یکی از برجسته‌ترین اسطوره‌شناسان قرن بیستم و به طور کلی تاریخ دانش اسطوره‌شناسی به حساب می‌آید که تاثیر عمیقی بر این دانش به ویژه بر اسطوره‌شناسی تطبیقی به جای گذارده است. نظریه‌ی کنش‌گرایانه‌ی وی به خصوص کنش‌های سه‌گانه در جوامع هندواروپایی موجب

دگرگونی‌های بنیادین در عرصه‌ی این دانش شد. دومزیل با ارائه‌ی این نظریه دانش اسطوره‌شناسی را از فیلولوژی مستقل کرد و توانست این دانش را از بن‌بست‌های نظری بزرگی که دچار شده بود خارج کند. این نظریه بر سه‌گانه‌ی کنش‌های این جوامع یعنی شهریاری، سلحشوری و پیشه‌وری استوار گردیده است.

نظریه‌ی کنش‌های سه‌گانه برای تحقیق در مورد جوامع نخستین هندواروپایی طراحی شده است. با این روش تعدادی از آثار ادبی و هنری که تا قبل از آن روش مناسبی برای تحقیق نداشتند مطالعه گردیدند. هنوز نیز جوامع باستانی هندواروپایی به عنوان پیکره‌های اصلی مطالعات این نظریه و روش تلقی می‌گردند. آثار ادبی و هنری، همچنین حکمی و سیاسی این اقوام که بخش گسترده‌ای از آثار تاریخی و باستانی جامعه‌ی بشری را به خود اختصاص می‌دهند با این نظریه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. با این حال جوامع کنونی این تمدن‌ها نیز با توجه به نسبتی که با گذشته‌ی خویش برقرار می‌کنند، می‌توانند مورد توجه این رویکرد قرار گیرند. نیاز به توضیح ندارد که هر چه این جوامع اصالت خویش را بیش‌تر حفظ کرده باشند، بیش‌تر مورد نظر این مطالعات خواهند بود. این کتاب تلاش کرده است تا نمونه‌هایی را برای چنین کاربردی مورد توجه قرار دهد.

گفتنی است که اسطوره‌شناسی پس از ماکس مولر و نظریه‌ی وی تا مدت‌ها نتوانست خود را تغییر داده و توسعه بخشد چرا که بیش از حد مغلوب این اندیشمند و نظریه‌پرداز بزرگ قرار داشت. به عبارت دیگر مولر توانست نه فقط رقبای معاصر خویش بلکه رقبای نسل پس از خود را نیز مرعوب کند. در واقع، پس از مولر کشفیات و نظریه‌های تازه عرصه‌ی دانش‌های گوناگون را دستخوش تغییر قرار داده بود در حالی که اسطوره‌شناسی همچنان شیفته‌ی فیلولوژی مولری باقی مانده بود. و این همه در حالی بود که دستاوردهای زبان‌شناسی سوسوری بسیاری از اصول فیلولوژی را به چالش کشیده و ارزش آن‌ها را مورد انکار قرار می‌داد. دومزیل از کسانی بود که پس از مقاومت‌های زیاد اولیه بالاخره متوجه شد که پارادایم نوین - شکل گرفته بر اساس زبان‌شناسی سوسوری - اجتناب‌ناپذیر است و نقدهایش را نمی‌توان نادیده گرفت. و همین آگاهی به دستاوردهای تازه و پی بردن به ضعف‌های نظریه‌های گذشته بود که دومزیل را به تأمل واداشت. تأملاتی که رفته رفته به ثمر نشستند و راه و روشی نو را پیش

پای نه فقط این محقق بلکه همه‌ی محققان این عرصه قرار دادند.

همچنین باید اضافه کرد که مطالعه‌ی اندیشه و آراء ژرژ دومزیل فقط مطالعه‌ی یک اسطوره‌شناس بزرگ و تجلیل از پژوهش‌های علمی وی نیست بلکه تجلیل از اراده‌ی علمی شخصیتی کم‌نظیر است. اراده‌ای که موجب می‌شود تا انسانیت گام‌های خویش را به سوی توسعه و پیشرفت طی کند. انسانی که بارها به زمین می‌خورد و بلند می‌شود و بالاخره علت زمین خوردن را می‌کاود و می‌یابد و سپس راه برون رفت آن را می‌جوید و نه فقط خود بلکه یک دانش، یک بخش از معرفت را از بن‌بست خارج می‌کند. خواندن زندگی و شرح آراء این بزرگان فقط برای یادگیری چند نظریه‌ی بزرگ در حوزه‌ی اسطوره‌شناسی نیست بلکه آشنایی با روش و منشی است که منجر به شکل‌گیری نظریه‌ها می‌شود. و ما بیش از نظریه‌ها به چگونگی شکل‌گیری نظریه‌ها نیازمندیم تا بتوانیم دانشگاهی نظریه‌پرداز بنا کرده و اندیشمندانی مولف تربیت کنیم.

دومزیل رساله‌ی دکتری خویش را زیر نظر آنتوان میه زبان‌شناس معروف آن دوره با عنوان «ضیافت جاودانگی، پژوهشی تطبیقی در اسطوره‌های هندواروپایی» گذراند. این رساله به دلیل این‌که نتوانسته بود از دستاوردهای تازه‌ی زبان‌شناسی و همچنین دانش استادش بهره‌ی کافی ببرد مورد استقبال قرار نگرفت. برعکس توسط میه و برخی از محققان جوان زبان‌شناسی طرد شد. و همراه با این اثر و نظریه خود ژرژ دومزیل نیز از کانون‌های تأثیرگذار علمی طرد گردید. وی مجبور شد به ترکیه عزیمت کند و مدتی به عنوان مدرس در آن‌جا اقامت گزیند. اما همین دوری و سپس بازگشت مجدد به فرانسه و مقایسه‌ی نظرات خود با نظرات نوین بود که وی را به تأمل واداشته و مجبور کرد در رویکرد و نگرش اسطوره‌ای خویش تجدید نظر بکند.

دلیل دیگری که می‌تواند مطالعه‌ی نظریه و حتی شخصیت ژرژ دومزیل را توجیه کند همانا توجه این محقق برجسته به جهان اسطوره‌های ایرانی است. ژرژ دومزیل توجه ویژه‌ای به اسطوره‌های هندوایرانی داشت و کتاب‌هایی ویژه در مورد اسطوره‌های ایرانی نوشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از «بررسی اسطوره‌ی کاووس در اساطیر ایرانی و هندی». در حقیقت، تمدن ایرانی به عنوان یکی از تمدن‌های هندواروپایی پیکر مناسبی برای پژوهش‌های کنش‌گرایانه‌ی

ژرژ دومزیل به شمار می‌رود. سه‌گانه‌های ایرانی مانند سه وجوه نیکی در دین زرتشت، سه بیم داریوش در کتیبه بیستون، سه منش متفاوت پسران فریدون، سه شیوهی متفاوت در پزشکی سنتی و بسیاری دیگر موضوعاتی هستند که می‌توان آن‌ها را با رویکرد کنش‌گرایانه‌ی دومزیلی مورد مطالعه قرار داد. کوتاه سخن این‌که مطالعه‌ی شخصیت و نظریه‌ی ژرژ دومزیل هم به خاطر ایران‌شناسی و اسطوره‌شناسی، و هم به خاطر نظریه‌شناسی و روش‌شناسی، نه فقط لازم بلکه در برخی موارد ضروری به نظر می‌رسد.

نا گفته نماند که ژرژ دومزیل پیش‌تر به لطف تعداد معدودی از محققان مانند بهمن سرکاراتی، جلال ستاری، مهدی باقی، شیرین مختاریان و بهار مختاریان به جامعه‌ی علمی ما شناسانده شده است. اما، بیش‌تر این تحقیقات به ترجمه‌هایی از آثار این محقق فرانسوی باز می‌گردد نه تألیفی بنیادین در جهت تبیین روش و نظریه‌ی او. امید است کتاب حاضر اقدامی تازه و جدی برای شناساندن بیش‌تر ژرژ دومزیل به جامعه‌ی علمی کشور محسوب گردد و با این کتاب جامعه‌ی علمی در ایران یک گام دیگر به سوی تالیف در حوزه‌ی دانش اسطوره‌شناسی بر دارند.

بخش _____ ست
/ شخصیت علمی ژرژ دومزیل و شکل‌گیری آن /

نوشتار حاضر در پی آن نیست که به ارائه‌ی یک زندگی‌نامه‌ی شخصی ژرژ دومزیل بپردازد. بلکه همان طور که از عنوان آن نیز برمی‌آید، بر آن است که به تبیین شخصیت علمی او و نحوه‌ی شکل‌گیری و خاستگاه‌های فکری وی پرداخته و از این راه زمینه‌ی لازم برای مطالعه‌ی آراء و نظرات، و در نهایت نظریه مهم او در زمینه اسطوره‌شناسی را فراهم آورد. بر این اساس، در ادامه نخست توصیفی اجمالی از شخصیت علمی ژرژ دومزیل مورد توجه قرار می‌گیرد تا در پی آن به تفصیل به خاستگاه‌های آن و از این طریق هم نحوه‌ی شکل‌گیری آن پرداخته شود.

ژرژ دومزیل^۱ از برجسته‌ترین چهره‌های اسطوره‌شناسی تطبیقی محسوب می‌گردد. او همچنین از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که در خصوص اسطوره‌های هندواروپایی تحقیق کرده است. وی در این خصوص نظرات بدیعی دارد که توجه بسیاری از محققان به ویژه اسطوره‌شناسان را به خود جلب کرده است. گرچه بخش قابل توجهی از آراء و نظرات دومزیل توسط خود وی و برخی محققان پسین مورد تردید و انکار قرار گرفته است، اما تاثیری که همین پژوهش‌ها بر پیشرفت دانش اسطوره‌ای و حتی در ابعاد گسترده‌تر دانش‌های علوم انسانی در مفهوم عام آن داشته است غیر قابل انکار است. دومزیل پژوهشگری خستگی‌ناپذیر بود که به رغم مشکلات فراوان، مواجهه‌ی با دو جنگ جهانی، نداشتن راهنمایی جدی و به دنبال آن وجود اشتباهات روش‌شناختی به ویژه در دهه‌های نخست تحقیق، توانست رفته رفته خود را به عنوان کارشناسی برجسته و محقق غیر قابل اجتناب بشناساند تا جایی که هیچ یک از کسانی که وی را در سال‌های نخست تحقیق می‌شناختند، نمی‌توانستند حدس بزنند که او به بالاترین مدارج علمی همچون استادی در کالج دو فرانس و عضویت در آکادمی فرانسه نائل شود.

ژرژ دومزیل چهارم مارس ۱۸۹۸ در پاریس زاده شد. پدر او در خدمت ارتش بود که از این راه کودکی و نوجوانی و حتی جوانی او هم به دلیل شغل پدر به طور پیوسته در انتقال از جایی به جای دیگر سپری شد. چنان که هر سال از تحصیلات متوسطه را در شهری دیگر و دبیرستانی دیگر (تروا^۲، تارب^۳، لویی کبیر^۴، ...) گذراند. سال سوم دبیرستان دومزیل در کتابخانه‌ی پدربزرگ مادری خود با کتابی از میشل برال^۵ آشنا شد که در واقع در حکم یک فرهنگ ریشه‌شناختی زبان لاتین^۶ برای دانش آموزان مقطع دبیرستان بود، و از این که واژه‌ی "پدر" در لغت سنسکریت Pitar است و واژه‌ی "مادر" Matar سخت شگفت زده شد. دومزیل خود اذعان می‌کند که به همین دلیل میشل برال استاد محبوب دوران جوانی‌اش بوده است، همچنین آنتوان میه^۷. آنتوان میه استاد معلم زبان لاتین دومزیل در سال چهارم دبیرستان، آلفرد ارنو^۸ بود و زبان‌شناس برجسته‌ای که کتاب دستور زبان تطبیقی^۹ بروگمان^{۱۰} را به زبان فرانسه ترجمه کرده بود. او یکی از شخصیت‌های بزرگ و موثر در نیمه‌ی نخست قرن بیستم محسوب می‌شد، او شاگرد فردینان دو سوسور^{۱۱} بنیان‌گذار زبان‌شناسی بود و در تدوین و نشر آثار و عقاید سوسور نقش مهمی ایفاء کرده بود. البته متأسفانه دومزیل از این جنبه‌ی میه نتوانست به خوبی بهره‌برد. و به همین دلیل هم از دستاوردهای زبان‌شناسی که به سرعت در حال تغییر و توسعه بود دیر و بسیار کم استفاده کرد.

آشنایی با این اساتید و آثار آنان دومزیل جوان را به زبان لاتین، زبان‌شناسی تاریخی (فیلولوژی^{۱۲})، و خصوصاً زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی^{۱۳}، سخت علاقه‌مند

۲. Troies

۳. Tarbes

۴. Louis-le-Grand

۵. Michel Bréal. (۱۸۳۲-۱۹۱۵) زبان‌شناس فرانسوی

۶. Dictionnaire étymologique du latin

۷. Antoine Meillet. (۱۸۶۶-۱۹۳۶) زبان‌شناس فرانسوی

۸. Alfred Ernout. (۱۸۷۹-۱۹۷۳) زبان‌شناس فرانسوی

۹. Grammaire comparée

۱۰. Brugmann. (۱۸۴۹-۱۹۱۹) زبان‌شناس آلمانی

۱۱. Ferdinand de Saussure. (۱۸۵۷-۱۹۱۳) زبان‌شناس سوئیسی

۱۲. Philology

۱۳. Philologie comparée

کرد. البته زمانی که او راهی دانش‌سرای عالی دولتی^{۱۴} شد (۱۹۱۶)، هنوز شک داشت که فلسفه بخواند یا زبان‌شناسی تاریخی. چنان که حتی چندین بار در کلاس درس لئون روبن^{۱۵} که کتاب جمهور^{۱۶} افلاطون^{۱۷} را تدریس می‌کرد هم حاضر شد، اما، آشنایی با کتاب شاخه‌ی زرین^{۱۸} فریزر^{۱۹} و کتاب نگاهی به تاریخ زبان یونانی^{۲۰} آنتوان میه او را متقاعد کرد که رشته‌ی مورد علاقه‌اش به یقین همان زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی است چرا که کندن از روایت‌های اسطوره‌ای دیگر برای او عملاً امکان پذیر نمی‌نمود.

با بروز جنگ جهانی اول تحصیلات دومزیل دچار وقفه شد. بهار ۱۹۱۷ او به خدمت نظام فراخوانده شد تا پس از چهار ماه آموزش نظامی به عنوان افسر تحت تعلیم در جنگ شرکت کند. به گفته‌ی خود دومزیل، پیش‌آمدها به گونه‌ای بود که گویی روح خبیثی می‌کوشید تا او را از آموختن زبان لاتین باز دارد. پس از جنگ، اواخر ۱۹۱۹، دومزیل در آزمون داوطلبان شایسته‌ی تدریس در مدارس متوسطه شرکت کرده و در رشته‌ی ادبیات برای تدریس در مدرسه‌ی عالی بووه^{۲۱} پذیرفته شد. اما پس از اندکی، اکتبر ۱۹۲۰، دومزیل که نمی‌توانست زندگی یک معلم مدرسه‌ی متوسطه را تحمل کند، کار خود را رها کرد تا زیر نظر زبان‌شناس تاریخی برجسته‌ی آن زمان، آنتوان میه، خود را وقف تهیه‌ی رساله‌ی دکترای خود کند: ضیافت جاودانگی – پژوهشی تطبیقی در اسطوره‌های هندواروپایی^{۲۲}. در حالی که از سویی هم درصدد آن بود که بیرون از فرانسه برای خود شغلی دست و پا کند. چنان که اندکی بعد به عنوان مربی زبان فرانسه در دانشگاه ورشو^{۲۳} مشغول به کار شد. اما دوری از فرانسه در آن زمان برای دومزیل بس دردناک

۱۴. École normale supérieure

۱۵. Léon Robin. ۱۸۶۶-۱۹۴۷) مورخ فرانسوی

۱۶. Republic

۱۷. Plato. (۴۲۷ ق.م. - ۳۴۷ ق.م.)

۱۸. Rameau D'or

۱۹. James George Frazer. (۱۸۵۴-۱۹۴۱) پژوهشگر و مردم‌شناس انگلیسی

۲۰. Aperçu d'une histoire de la langue grecque

۲۱. Beauvais

۲۲. Le festin d'immortalité -étude de mythologie comparée indo-européenne

۲۳. Université de Varsovie

بود، از این راه پس از شش ماه استعفا داد و در تابستان ۱۹۲۱ به پاریس بازگشت. و پس از سه سال پژوهش بی وقفه، در سال ۱۹۲۴ رساله‌ی دکتری خود را به پایان رساند.

دومزیل به محض اتمام رساله‌ی دکتری خود به همراه همسرش که به تازگی ازدواج کرده بودند بر اساس قراردادی به ترکیه رفت تا به عنوان استاد تاریخ ادیان در دانشگاه استانبول تدریس کند. در این دوره مصطفی آتاترک برای روحانیت زدایی از ترکیه می‌کوشید تا مبحث دین هم مانند رشته‌های علمی در کنار دیگر رشته‌ها در دانشگاه‌ها تدریس شود. یکی از افرادی که برای این کار و انتقال تجربیات فرانسویان به ترک‌ها اعزام شد همانا ژرژ دومزیل بود. او شش سال (۱۹۳۱-۱۹۲۵) در ترکیه درس داد. دومزیل در این مدت علاوه بر زبان ترکی، زبان‌های قفقازی و خاصه زبانی را که بعدها زبان «خاص» وی شد، زبان اوبیخی^{۲۴}، نیز یاد گرفت. گفتنی است که دومزیل از اقامت شش ساله‌ی خود در ترکیه همواره با تعبیر «بهترین سال‌های زندگی‌ام» یاد می‌کند.

در سال ۱۹۳۱ دومزیل به همراه خانواده‌ی خود، و به رغم میل باطنی خود، از ترکیه به سوئد نقل مکان کرد تا در دانشگاه اوپسالا^{۲۵} تدریس کند. لازم به توضیح است که عموم کشورهای اسکاندیناوی، خصوصاً مراکز فرهنگی- تحقیقاتی و دانشگاه‌های کشور سوئد، در آن دوره محققانی بسیار برجسته و شرق‌شناسانی بسیار صاحب‌نام داشتند. مکاتب شرق‌شناسی حوزه‌ی اسکاندیناوی از زمره‌ی فعالترین مکاتب آن دوره محسوب می‌شدند و نظرات بدیعی در خصوص اندیشه و تفکر شرقی داشتند. بنابراین حضور دومزیل در آن محیط کمک شایانی به اندیشه‌های پسین وی گذاشت.

دومزیل بالاخره در سال ۱۹۳۳ توانست به فرانسه بازگردد و در مدرسه مطالعات عالی که زیر نظر سیلون لوی^{۲۶} بود مدیریت مطالعات «اسطوره‌شناسی تطبیقی» را که بعدها به «اسطوره‌شناسی هندواروپایی» تغییر نام داد به عهده بگیرد. نظرات تازه دومزیل موجب گردید تا وی مورد توجه قرار گیرد. در سال ۱۹۴۸ هنگامی که آثار او بتدریج در خارج از فرانسه هم شناخته می‌شد، دوستانش

۲۴. Ubykh language

۲۵. Uppsala

۲۶. Sylvain Lévi. (۱۹۰۲-۱۹۷۶) شرق شناس فرانسوی

به وی پیشنهاد کردند تا برای کالج دو فرانس^{۲۷} داوطلب گردد. دومزیل خود می‌گوید که این کار از سخت‌ترین و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین مسائلی بود که در زندگی علمی خود با آن برخورد کرده است. توضیح این‌که، پس از مخالفت‌ها و دفاعیه‌های بسیار، به ویژه دفاعیه‌ی امیل بنونیست^{۲۸}، دومزیل وارد کالج دو فرانس شد و برای این‌که از کرسی تخصصی و مرتبطی برخوردار باشد به توصیه‌ی بنونیست کرسی «تمدن هندواروپایی» فقط به‌خاطر وی راه‌اندازی شد. دومزیل در آن مقام بود تا این‌که در سال ۱۹۶۸ بازنشسته شد. در طی این سال‌ها او با بسیاری از اندیشمندان دوره‌ی خود به ویژه کسانی همانند کلود لوی استروس^{۲۹} و میرچا الیاده^{۳۰} که به طور جدی بر روی اسطوره‌ها و ادیان و زبان‌ها کار می‌کردند مرتبط بود و به ویژه از طریق نامه به داد و ستد علمی می‌پرداخت. در این خصوص می‌توان گفت که دومزیل این توفیق را داشته است که با تعداد زیادی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران قرن بیستم از نزدیک آشنایی داشته و از نظرات آن‌ها یا حمایتشان به خصوص پس از دهه‌ی چهل که نظرات اصیل خود را ارائه داد برخوردار باشد.

دومزیل پس از بازنشستگی سه سال (از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱) در ایالات متحده‌ی آمریکا (پرینستون، شیکاگو و لس آنجلس) اقامت گزیده و به یادگیری زبان‌ها (خصوصاً زبان کشویی^{۳۱})، ادیان و اسطوره‌های سرخپوستان آمریکای جنوبی پرداخت. و در سال ۱۹۷۸ به عضویت آکادمی فرانسه درآمده و در اکتبر ۱۹۸۶ دیده از جهان فروبست.^{۳۲}

مجموعه‌ی آراء و آثار دومزیل، به ویژه آثار مرحله‌ی پسین وی که بسیار هم غنی است^{۳۳}، جایگاه ویژه‌ای را برای دومزیل در عرصه‌ی اسطوره‌شناسی و به طور

۲۷. Collège de France

۲۸. Émile Benveniste. (۱۸۶۳-۱۹۳۵) زبان شناس، خاور شناس و ایران شناس فرانسوی

۲۹. Claude Lévi-Strauss. (۱۹۰۸-۲۰۰۹) قوم‌شناس و انسان شناس فرانسوی

۳۰. Mircea Eliade. (۱۹۰۷-۱۹۸۶) اسطوره شناس و دین پژوه رومانیایی

۳۱. Quechua

۳۲. جهت مطالعه ی بیشتر ر.ک.؛ Dumézil, Georges. Lévi-Strauss, Claude.

1979. *Discours de réception de Georges Dumézil à l'Académie française et réponse de Claude Lévi-Strauss*. Paris : Gallimard

۳۳. جهت مطالعه ی بیشتر ر.ک.؛ ستاری، جلال. ۱۳۸۰. اسطوره و حماسه در اندیشه ی ژرژ دومزیل. تهران: مرکز. (صص: ۱۵۹-۱۵۰).

دقیق‌تر اسطوره‌شناسی تطبیقی رقم زد. چنان که برخی از محققان دومزیل را اصلاح‌گر اسطوره‌شناسی تطبیقی و برخی دیگر وی را بنیان‌گذار مکتب نوینی در این عرصه می‌نامند. فرانسوا اولد^{۳۴} مقاله‌ای دارد با عنوان "ژرژ دومزیل" که زیر عنوان آن عبارت است از "بنیان‌گذار مکتب نوین اسطوره‌شناسی تطبیقی".

اکنون که یک شاکله‌ی کلی از زندگی علمی دومزیل ارائه گردید، همان طور که پیش‌تر هم گفته شد، بهتر است قدری هم به نحوه‌ی شکل‌گیری آن پرداخته شود. نیاز به توضیح ندارد که این مهم جز با تدقیق در آبخشورهای بنیادین این شاکله ممکن نخواهد بود. توضیح این که، با توجه به موضوع مورد مطالعه‌ی این نوشتار و تأکیدی که بر روش‌های تحقیق در عرصه‌ی اسطوره وجود دارد، می‌توان زندگی علمی دومزیل را در سه برهه‌ی زمانی پی گرفت. این سه برهه که به کنایه به سه‌گانه‌ای که وی بسیار دوست می‌داشت نیز گوشه‌ی چشمی دارد، نزد وی، البته از نظر ما، عبارتند از:

- از ابتدا تا ۱۹۳۰: برهه‌ای که به پژوهش‌های لغت‌شناسانه متعلق است.
- از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰: برهه‌ای که دومزیل تحت تأثیر انتقادهای صورت گرفته و کشفیات جدید خود دچار شک و تردیدهای بنیادین است.
- از ۱۹۴۰ تا انتها: برهه‌ای که به پژوهش‌های کنش‌شناسانه و کارکردشناسانه متعلق است.

گفتنی است که ادامه‌ی این بخش از این نوشتار بر اساس همین تقسیم‌بندی زمانی به بررسی آراء و آثار ژرژ دومزیل خواهد پرداخت. البته پس از این سه برهه - به بیانی دقیق‌تر همراه با برهه‌ی سوم - قدری هم به بررسی ارتباط متقابل آراء و آثار دومزیل با مفهوم ساختار و به ویژه اندیشه‌های ساختارگرایانه پرداخته خواهد شد.